

## بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن در دانشجویان دختر و پسر ایرانی

مرضیه صادق‌زاده<sup>۱</sup>، لیلا شاملی<sup>۲</sup>

### چکیده

شرم از تصویر بدنی، بخشی از شرم اجتماعی است که بر محوریت ویژگی‌های ظاهری و بدنی تجربه می‌شود و از این رو، همچون سازه مافوق خود، دارای دو وجه درونی و بیرونی است، اما در هیچ یک از پرسش‌نامه‌های مطرح در حوزه تصویر بدنی، به این دو وجه متمایز توجه نشده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس شرم از تصویر بدنی در نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی انجام شده است. بدین منظور نمونه‌ای شامل ۹۲۵ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های کازرون به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. فرایند تحلیل در دو نمونه دانشجویان دختر و پسر به صورت مجزا انجام گرفته و داده‌های پژوهشی نیز علاوه بر پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن، از چهار ابزار دیگر یعنی پرسش‌نامه‌های قدرتانی از بدن، سیاهه نارضایتی از تصویر بدنی، دیگران به منزله شرمگین کننده، و مقیاس اضطراب، افسردگی و استرس جمع‌آوری شده است. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی در هر دو نمونه دانشجویان دختر و پسر مؤید ساختار دو عاملی در نسخه فارسی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن است. هم‌بستگی نمره‌های حاصل از این پرسش‌نامه با نمره‌های سایر ابزارهای پژوهش، روایی همگرا و واگرای آن را نیز مورد تأیید قرار داده است. به علاوه، مقادیر مربوط به ضرایب آلفای کرونباخ و ضرایب بازآزمایی در بازه مطلوب قرار داشته است. یافته‌های پژوهشی ضمن تأیید دو مؤلفه شرم بیرونی و شرم درونی مبتنی بر بدن، کاربرد نسخه فارسی پرسش‌نامه را در دانشجویان ایرانی پیشنهاد می‌کند.

واژه‌های کلیدی: شرم اجتماعی، شرم از تصویر بدن، شرم بدن برونی شده، شرم بدن درونی شده.

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه سلمان فارسی، کازرون، ایران (sadeghzadeh.mr@gmail.com)  
(نویسنده مسئول).

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه سلمان فارسی، کازرون، ایران.

**Psychometric properties of body image shame scale in Iranian female and male university students**

Marziyeh Sadeghzadeh<sup>1</sup>

Leila Shameli<sup>2</sup>

**Abstract**

Body image shame is a part of social shame that is experienced on the basis of apparent and physical characteristics of the body; hence, like its superior structure, it is of two dimensions: internal and external. However, in none of the questionnaires used in the field of body image, has any attention been paid to these two distinct dimensions. The aim of this study was to investigate the psychometric properties of the “Body Image Shame Scale” in a sample group of Iranian students. For this purpose, 925 students of Kazerun universities were selected by cluster sampling. The analysis process was performed separately in two sample groups of male and female students. In addition to the questionnaires related to the shame of body image scale, the research data collected were also related to four other measures including the body appreciation scale, dissatisfaction about body image of others as a shame scale, and the scale of depression, anxiety, and stress. The results of exploratory factor analysis in both male and female students confirm the two-factor structure of the body image shame scale among these students. The correlation between the scores of the scale and the scores of other research tools has also confirmed its convergent and divergent validity. In addition, the values of Cronbach’s alpha coefficients and retest coefficients were found to be within the desired range. Besides confirming the two components of external shame and internal shame related to the body, the research findings suggest the use of the Persian version of the questionnaire in Iranian students.

**Keywords:** Body-image shame; External body-shame; Internal body-shame; Social shame.

---

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Salman Farsi University of Kazerun, Iran (sadeghzadeh.mr@gmail.com) (Corresponding Author).  
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Salman Farsi University of Kazerun, Iran.

## مقدمه

شرم به منزله یکی از دردناک‌ترین هیجان‌ات بشری شناخته می‌شود، چراکه به صورت بازتاب یک خویشتن معیوب و پرنقص در فرد ادراک می‌شود. البته شرم نیز همچون دردهای جسمانی که به‌رغم ظاهر منجرکننده، خاصیتی انطباقی دارند، در فرایند سازگاری انسان با زندگی اجتماعی و به‌منزله نظامی هشداردهنده تکامل یافته است (بیل و تریسی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰؛ لی‌مینگ و بویل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). به عبارت بهتر، شرم گرچه به صورت یک هیجان ناخوشایند تجربه می‌شود، اما بنا به تعریف، در واقع، پاسخی دفاعی است و هنگامی به وجود می‌آید که فرد گمان می‌برد در معرض نگاه خریدارانه دیگران قرار گرفته، اما به‌مثابه موجودی ضعیف، عاری از جذابیت، حقیر و پرنقص ارزیابی شده است (گیلبرت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸). چنین عواطفی در صورت درونی شدن به ارزیابی‌های منفی فرد از خودش منجر شده و عواطف مبتنی بر بی‌کفایتی و حقارت را در وی پرورش خواهد داد (بیل و تریسی، ۲۰۲۰؛ دوارت<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۴).

بدین ترتیب، با وجود معرفی شرم به‌منزله کنش سازگارانه مهمی در حیات اجتماعی انسان، پژوهش‌ها از همراه شدن تجربه مزمن شرم با عواقب مشکل‌ساز خاصی همچون خشم و پرخاشگری (هیون<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۹)، بازداری هم‌دلی (لیت و باومیستر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸) و ناتوانی در درک دیدگاه دیگران (یانگ<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۰) حکایت می‌کنند. برخی از پژوهش‌ها همچون گیلبرت (۲۰۰۰) و تنگنی<sup>۸</sup> و همکاران (۱۹۹۲) نیز از هم‌بسته‌های ناتوان‌سازی<sup>۹</sup> مثل اضطراب، افسردگی و افکار پارانوئیدی برای شرم خبر می‌دهند.

البته شرم به‌منزله سازه‌ای چندوجهی با پنج مؤلفه متمایز شناخته می‌شود: (۱) مؤلفه شناختی - اجتماعی یا بیرونی (مثل این احساس که دیگران، فرد را حقیر، بد یا ناکافی می‌پندارند)، (۲) مؤلفه خود-ارزیابانه درونی<sup>۱۰</sup>، (۳) مؤلفه هیجانی (مثل احساس خشم، انزجار یا تشویش نسبت به خود)، (۴) مؤلفه رفتاری (مثل اجتناب از دیده شدن یا تماس چشمی با

1. Beal & Tracy
2. Leeming & Boyle
3. Gilbert
4. Duarte
5. Heaven
6. Leith & Baumeister
7. Yang, Yang & Chiou
8. Tangney
9. debilitating correlates
10. internal self-evaluative component

دیگران) و (۵) مؤلفه فیزیولوژیک (مثل تجربه تنش و ناآرامی جسمانی) (گیلبرت، ۲۰۱۴). به علاوه، شرم به دو نوع شرم درونی<sup>۱</sup> و شرم برونی<sup>۲</sup> تقسیم شده است که اولی به تمرکز شدید درونی بر روی احساسات، ویژگی‌ها و رفتارهای شخصی بازمی‌گردد و دومی، توجه و پردازش شناختی مدام پیرامون آنچه را دیگران در مورد شخص فکر می‌کنند توصیف می‌کند (گیلبرت، ۲۰۰۳).

فارغ از این چهره چندوجهی، باید پذیرفت که خلاف رویکرد اسنادی شرم<sup>۳</sup>، تجربه شرم لزوماً به رویدادی عینی یا شکست ملموس وابسته نیست، بلکه مطابق نظریه تهدید اطلاعاتی شرم<sup>۴</sup> به محض اینکه فرد بداند یا حتی گمان برد که دیگران او را به صورت منفی نگریسته‌اند، هیجان شرم را احساس خواهد کرد (رابرتسون<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). از همین روست که تجربه شرم در مورد جنبه‌های مختلفی از زندگی فرد امکان پذیر است و ممکن است با تکرار ادراک فرد از ناکافی بودن خویش به سرعت به مسئله‌ای روانی مزمن نیز بدل شود (لی‌مینگ و بویل، ۲۰۰۴).

چنین احساس مزمنی به‌ویژه ممکن است در رابطه با بدن و ظاهر جسمانی فرد تجربه شود که به‌طور واضح، نخستین بخش از وجود وی است که در معرض ارزیابی، قضاوت و بازخورد دیگران قرار می‌گیرد (داس<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). البته شرمی که بر محوریت بدن شکل می‌گیرد به‌طور خاص به ادراک فرد از برخورداری آن دسته از خصوصیات ظاهری یا ویژگی‌های بدنی بازمی‌گردد که برای دیگران جذاب تلقی نمی‌شود (دوارت و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع، فرد به‌صورت خودآگاه احساس می‌کند که اندام او، ایدئال‌های ظاهری جامعه را - که اغلب هم غیرقابل دستیابی هستند - برآورده نمی‌سازد (مک‌کینلی<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹).

از همین رو، می‌توان گفت محتوای تجربه شرم از بدن موضوعی به‌غایت فرهنگی است، چراکه در واقع این زمینه فرهنگی - اجتماعی است که برای فرد و شناخت وی تصمیم می‌گیرد که چه چیز ارزشمند و چه چیز خالی از ارزش تلقی خواهد شد (پل و هویر<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹). با این همه، آنچه به‌راستی با تجربه‌ای مشابه در تمامی جوامع دیده می‌شود،

1. internal shame
2. external shame
3. attribution approach of shame:
4. information threat theory of shame
5. Robertson
6. Dias
7. McKinley
8. Puhl & Heuer

تجربه شرم از ظاهری است که مطابق استانداردها نیست یا لاقبل از نظر خود فرد با این استانداردها هماهنگی ندارد. در پاسخ به همین برداشت و ادراک نیز هست که برون‌دادهای نگرشی و رفتاری خاصی از فرد سر می‌زند که تمایل به پنهان کردن بخش‌هایی از بدن یا اجتناب از موقعیت‌هایی که ممکن است ظاهر فرد را در معرض قضاوت دیگران قرار دهد، از آن جمله‌اند (گیلبرت، ۲۰۰۲؛ به نقل از دورات و همکاران، ۲۰۱۴). پژوهش‌های اخیر (همچون بیدل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹) حتی از رابطه میان شرم از بدن و انگیزه فرد برای فعالیت‌های ورزشی حکایت می‌کنند؛ به نحوی که گاه فرد به واسطه احساس شرم بدنی از آن دسته فعالیت‌های ورزشی که مستلزم حضور در جمع و آشکار ساختن ویژگی‌های بدنی است، چشم می‌پوشد. به علاوه پژوهش‌ها (برای مثال گرابهورن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۶؛ سانفتنر<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۵) از هم‌آیندی هیجان شرم با اختلالات خوردن و مدیریت افراطی وزن، به ویژه در بانوان، نیز خبر می‌دهند. چنان‌که زنان مبتلا به اختلال خوردن، بیش از آنکه درباره رفتارهای خود دچار شرم شوند، شرم را در رابطه با ظاهر فیزیکی خود تجربه می‌کنند (سانفتنر و همکاران، ۱۹۹۵).

البته درخصوص انگاره فرد از تصویر بدنی‌اش ابزارهای مختلفی طراحی شده (از جمله مقیاس آگاهی از بدن ایزاری‌شده<sup>۴</sup> (مک‌کینلی و هاید، ۱۹۹۶)؛ سیاهه نگرانی از تصویر بدن<sup>۵</sup> (لیتلتون<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۵)، مقیاس تجربه شرم<sup>۷</sup> (اندروز<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۲)) که ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی برخی از آن‌ها نیز در ایران مورد مطالعه قرار گرفته است، اما چنان‌که دورات و همکاران (۲۰۱۴) نیز مطرح می‌سازند، هیچ‌یک از این ابزارها شرم از بدن را به منزله بخشی ساده، رایج و قابل انتظار از همان سازه شرم اجتماعی با دو بُعد شرم برونی و شرم درونی در نظر نمی‌گیرند. حال آنکه شرم از بدن نیز همچون سازه مافوق خویش دارای دو بُعد است که یکی بر دنیای بیرون متمرکز است و به این ادراک فرد بازمی‌گردد که ویژگی‌های ظاهری او ممکن است نقد، قضاوت یا ارزیابی منفی دیگران را برانگیزد. این بُعد به حس آشفستگی در جمع یا حتی اجتناب فرد از

1. Beadle
2. Grabhorn
3. Sanftner
4. Objectified Body Consciousness Scale(OBC)
5. Body Image Concern Inventory(BICI)
6. Littleton
7. Experience of Shame Scale
8. Andrews

موقعیت‌هایی که تجربه شرم را در او زنده می‌سازد، ختم می‌شود. اما بعد دوم، یعنی شرم درونی، بر دنیای درونی متمرکز است و به ادراک منفی خود فرد از ویژگی‌های ظاهری او بازمی‌گردد که تصویر بدنی ناکافی و پریعیب او را مورد تأکید قرار می‌دهد. این بُعد به تمایل فرد برای پنهان ساختن بخش‌هایی از بدن، سرکوب کردن تصویر بدنی یا نادیده گرفتن نیازها و ویژگی‌های بدنی فرد ختم می‌شود.

به کلام روشن‌تر، دورات و همکاران (۲۰۱۴) مدعی هستند که سنجش این دو بُعد در اندازه‌گیری بخشی از شرم اجتماعی که بر بدن و ویژگی‌های ظاهری آن متمرکز است، اهمیت ویژه دارد، چرا که هر یک از این دو کانون متمایز شرم تبعات متفاوتی را برای فرد ایجاد خواهد کرد. البته پژوهش آن‌ها تنها به بررسی شرم اجتماعی برخاسته از بدن و ابعاد درونی شده و برونی‌شده آن در نمونه بانوان پرداخته است؛ حال آنکه به‌رغم تأکید برخی از پژوهش‌ها (همچون تنگنی، ۱۹۹۰؛ هنریچ و گیل - وایت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱) بر وجود تفاوت‌های جنسیتی در مفهوم کلی شرم، پژوهشگرانی همچون دنیل و بریجز<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، هولمکوست گاتاریو و فریسن<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) و مک کینلی و هاید (۱۹۹۶) از رواج گفت‌وگوهای درونی منفی درباره ظاهر جسمانی در هر دو نمونه زنان و مردان خبر می‌دهند. به‌علاوه، تبعات منفی تمرکز بیش از اندازه بر وضعیت ظاهر جسمانی در سلامت روان نیز موضوعی نیست که تنها در گروه زنان مشاهده شده باشد؛ بالعکس شواهد پژوهشی (همچون ولاست<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۰) از آثار مخرب عواطف منفی معطوف به بدن در هر دو جنس تأکید می‌کنند.

به عبارت بهتر، گرچه هنجارهای زیبایی‌شناسانه که در طول تاریخ برای مقبولیت اجتماعی زنان وضع شده، آن‌ها را به‌طور معمول نسبت به ویژگی‌های ظاهری حساس‌تر کرده و در دغدغه دستیابی به استانداردهای جامعه خویش برای زیبایی درگیر ساخته است (کلینگ<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷)، اما پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که امروزه، بسیاری از مردان نیز شرم اجتماعی برخاسته از بدن را تجربه می‌کنند و گاه به‌سبب دست یافتن به استانداردهای ایدئال ظاهری از سایر تجربه‌ها چشم می‌پوشند و تمامی توجه خویش را بر روی ویژگی‌های بدنی متمرکز می‌کنند (هولمکوست گاتاریو و فریسن، ۲۰۱۹).

با این همه، باید به خاطر داشت که موضوع شرم و به ویژه شرمی که بر مبنای

1. Henrich & Gil-White
2. Daniel & Bridges
3. Holmqvist Gattario & Frisén
4. Michaels
5. Kling

ویژگی‌های ظاهری و بدنی افراد تجربه می‌شود، به شدت از بافت فرهنگی پیرامون آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و درواقع، ساختاری فرهنگی دارد. لذا با تکیه بر مطالب و شواهد گفته‌شده، پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن<sup>۱</sup> در هر دو نمونه دانشجویان زن و مرد اختصاص یافته است.

## روش

جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان مراکز آموزش عالی شهر کازرون در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بودند. بنا به راهنمایی کلایین (۲۰۱۱) حداقل حجم نمونه در پژوهش‌هایی که از مدل‌بایی معادلات ساختاری استفاده می‌کنند ۲۰۰ نفر یا ۱۰ الی ۲۰ نفر به‌ازای هر پارامتر است. برای انتخاب نمونه از جامعه فوق نیز روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای در قبال جامعه آماری فوق در نظر گرفته شد؛ بدین ترتیب که در ابتدا از بین مراکز آموزش عالی شهر کازرون، دو دانشگاه سلمان فارسی کازرون و دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون انتخاب و سپس از هر یک از این دانشگاه‌ها ۴ گروه آموزشی انتخاب شدند. در مرحله آخر نیز از هر گروه آموزشی ۴ ورودی مختلف به منزله نمونه برگزیده شدند. در نهایت و پس از انجام فرایند پالایش و غربالگری داده‌ها که به حذف ۸ مورد منجر شد، اطلاعات مربوط به یک نمونه پژوهشی ۹۲۵ نفری از دانشجویان (شامل ۴۷۱ مرد و ۴۵۴ زن) در فرایند تحلیل شرکت داده شد. جهت خودداری از پراکندگی غیرمعنادار بین دو مرکز آموزش عالی نامبرده نیز از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج آن حاکی از نبود تفاوت معنادار در تعداد دانشجویان انتخاب‌شده از این دو مرکز در هر دو نمونه دانشجویان دختر و پسر بود.

میانگین و انحراف استاندارد سن در نمونه دانشجویان زن به ترتیب ۲۱/۲۲ و ۲/۵۰ و در نمونه دانشجویان مرد به ترتیب ۲۱/۸۳ و ۳/۰۹ بوده است. به‌علاوه تنها ۱۲ درصد دانشجویان دختر شرکت‌کننده در این پژوهش، وضعیت تأهل خویش را «متاهل» اعلام کرده و ۸۸ درصد گزینه «مجرد» را برگزیده‌اند. در نمونه دانشجویان پسر نیز این دو وضعیت به ترتیب ۹۱ و ۹ درصد برآورد شده است. اطلاعات جمعیت‌شناختی این نمونه پژوهشی در جدول ۱ خلاصه شده است. گفتنی است که داده‌های پژوهشی در نیمسال اول ۱۳۹۸-۱۳۹۹ حضوری گردآوری شده و تمام دانشجویان رضایتمندی خود را نسبت به در اختیار گذاشتن اطلاعات به صورت کتبی اعلام کرده بودند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه پژوهشی حاضر

تعداد	مرکز دانشگاهی		سن (انحراف استاندارد)	وضعیت تأهل		مقطع تحصیلی	
	سلمان فارسی	دانشگاه آزاد		متأهل مجرد	تأهل	کارشناسی ارشد دکتری	مقطع تحصیلی
نمونه دانشجویان مرد	۲۴۵	۲۲۳	۲۱/۸۳ (۳/۰۹)	۹۱٪	۹٪	۹۰٪	۴٪
نمونه دانشجویان زن	۲۳۹	۲۱۰	۲۱/۲۲ (۲/۵۰)	۱۲٪	۸۸٪	۹۵٪	۳٪

برای گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر نیز از ابزارهای زیر استفاده شده است:

۱. پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن (BISS): چنان‌که گفته شد، این پرسش‌نامه توسط دوارت و همکاران (۲۰۱۴) و به‌منظور اندازه‌گیری بخشی از شرم اجتماعی که به تصویر بدنی فرد بازمی‌گردد، طراحی شده است. فرم نهایی این ابزار دارای ۱۴ گویه است که بر روی لیکرت پنج‌نقطه‌ای از ۰ (معادل هرگز) تا ۴ (معادل تقریباً همیشه) نمره‌گذاری شده است. سازندگان ابزار جهت بررسی روایی پرسش‌نامه از دو شیوه‌ی روایی سازه و روایی همگرا استفاده کرده‌اند. نتیجه‌ی تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی انجام گرفته در پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که دو مؤلفه شرم بدن برونی شده<sup>۱</sup> و شرم بدن درونی شده<sup>۲</sup> بر روی هم ۶۲ درصد واریانس موجود در گویه‌های این ابزار را تبیین می‌کنند. دوارت و همکاران (۲۰۱۴) جهت بررسی همسانی درونی این پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کرده‌اند که مقادیر آن برای کل آزمون و دو خرده‌مقیاس فوق به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۹ و ۰/۹۰ به دست آمده است. همچنین، ضریب بازآزمایی با فاصله زمانی یک ماه نیز برای نمره کل آزمون و نمره‌های مربوط به دو خرده‌مقیاس بالا به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ محاسبه شده است. در پژوهش حاضر نیز به ترتیبی که پس از این ارائه خواهد شد، اطلاعات مربوط به روایی سازه، روایی همگرا، همسانی درونی و ثبات زمانی این پرسش‌نامه مورد توجه قرار گرفته است.

1. externalized body shame  
2. internalized body shame



۲. نسخه دوم پرسش‌نامه قدردانی از بدن<sup>۱</sup> (BAS-2): این ابزار برای اندازه‌گیری پذیرش، نظر مطلوب و احترام افراد به بدنشان ساخته شده است. نسخه اولیه این ابزار که توسط آوالوس، تیلکا و وود - بارکالو (۲۰۰۵) طراحی شده، دارای ۱۳ گویه بوده و تنها در چهار نمونه مختلف از زنان دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفت. اما مطالعه تیلکا و وود - بارکالو (۲۰۱۵) این پرسش‌نامه را بر روی هر دو نمونه زنان و مردان اجرا کرده و در نهایت نسخه دوم این ابزار را با ۱۰ گویه معرفی کردند. این گویه‌ها بر روی لیکرت پنج‌درجه‌ای از ۱ (معادل هرگز) تا ۵ (معادل همیشه) کدگذاری شده است. سازندگان ابزار برای بررسی روایی آن از روش‌های روایی سازه، روایی همگرا و واگرا و روایی ملاکی استفاده کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه نیز برای دو نمونه زنان و مردان به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۳ گزارش شده است. هاشمی‌نژاد و همکاران (۲۰۱۶/۱۳۹۵) اطلاعات روان‌سنجی مربوط به نسخه اولیه این پرسش‌نامه را در ایران بررسی کرده‌اند. هرچند در پژوهش حاضر از نسخه دوم پرسش‌نامه قدردانی از بدن استفاده شده است. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ برای دو نمونه زنان و مردان به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۳ محاسبه شده است.

۳. سیاهه نگرانی از تصویر بدن (BICI): این ابزار توسط لیتتون و همکاران (۲۰۰۵) برای ارزیابی نگرانی افراد درباره ظاهر بدنی‌شان طراحی شده و دارای ۱۹ گویه است که بر روی لیکرت پنج‌درجه‌ای از هرگز (معادل ۱) تا همیشه (معادل ۵) کدگذاری می‌شوند. این ابزار علاوه بر نمره کل، نمره‌های مربوط به دو خرده‌مقیاس نگرانی بدیختی<sup>۲</sup> و تداخل ناشی از نگرانی‌های مربوط به ظاهر<sup>۳</sup> را نیز در اختیار می‌گذارد. همچنین، سازندگان ابزار، ضرایب آلفای کرونباخ دو خرده‌مقیاس فوق و کل آزمون را به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۲ و ۰/۷۶ گزارش کرده‌اند. نسخه فارسی این ابزار نخستین بار توسط محمدی و سجادی‌نژاد (۲۰۰۷/۱۳۸۶) مورد مطالعه و ساختار دو عاملی آن مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش نامبرده ضرایب آلفای کرونباخ برای کل آزمون و دو خرده‌مقیاس فوق به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۴ و ۰/۷۴ برآورد شده است. در پژوهش حاضر نیز ضرایب آلفا برای کل آزمون (۰/۹۲) در نمونه زنان و ۰/۹۰ (در نمونه مردان) و دو خرده‌مقیاس نارضایتی از بدن (۰/۸۹) در نمونه زنان و ۰/۸۶ (در نمونه مردان) و تداخل ناشی از نگرانی‌های مربوط به ظاهر (۰/۸۶) در نمونه زنان و ۰/۸۲ (در نمونه مردان) محاسبه شده است.

---

1. the body appreciation scale-2  
2. dysmorphic concern  
3. interference due to appearance concerns

۴. مقیاس افسردگی، اضطراب و فشار روانی<sup>۱</sup> (DASS): در این پژوهش از فرم کوتاه‌شده مقیاس افسردگی، اضطراب و فشار روانی لاوبوند و لاوبوند (۱۹۹۵) استفاده شده است. این فرم دارای ۲۱ گویه است و آشفتگی روان‌شناختی افراد را در سه خرده‌مقیاس افسردگی، اضطراب و فشار روانی اندازه‌گیری می‌کند. گویه‌ها بر روی لیکرت چهاردرجه‌ای از ۰ تا ۴ کدگذاری شده است. روایی و پایایی این ابزار در ایران نیز نخستین بار توسط سامانی و جوکار (۱۳۸۶) بررسی شده است. این پژوهشگران برای بررسی روایی همگرا و واگرایی نسخه فارسی این ابزار، از پرسش‌نامه‌های سلامت عمومی و سلامت روانی و برای مطالعه ساختار عاملی آن از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی استفاده کرده‌اند. همچنین، در پژوهش آن‌ها ضرایب آلفای کرونباخ برای سه خرده‌مقیاس فشار روانی، افسردگی و اضطراب به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۵ و ۰/۷۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضرایب آلفا برای سه خرده‌مقیاس فوق به ترتیب ۰/۸۱ زن و ۰/۷۸ مرد، ۰/۸۱ زن و ۰/۷۷ مرد و ۰/۷۸ زن و ۰/۷۱ مرد محاسبه شده است.

۵. مقیاس دیگران به منزله شرمگین‌کننده<sup>۲</sup> (OAS): این مقیاس توسط گاس و همکاران (۱۹۹۴) برای اندازه‌گیری میزان شرم بیرونی افراد طراحی شده و دارای ۱۸ گویه است که بر روی لیکرت پنج‌درجه‌ای از ۰ (معادل هرگز) تا ۴ (معادل تقریباً همیشه) کدگذاری شده‌اند. در پژوهش گاس و همکاران (۱۹۹۴) برای بررسی روایی پرسش‌نامه از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی استفاده شده که در نهایت سه مؤلفه احساس حقارت<sup>۳</sup>، پوچی<sup>۴</sup> و خطا شناسایی شده است. هرچند در پژوهش اثباتی و همکاران (۲۰۱۷/۱۳۹۶) که به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی این ابزار اختصاص داشته، یک ساختار تک‌عاملی مورد تأیید قرار گرفته است. ضریب آلفا برای کل مقیاس در پژوهش گاس و همکاران (۱۹۹۴) ۰/۹۲ و در پژوهش اثباتی و همکاران (۱۳۹۶) ۰/۹۴ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفا به صورت مجزا برای دو نمونه زنان و مردان به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۳ برآورد شده است.

۶. روند اجرای پژوهش: در ابتدای امر، نسخه اصلی مقیاس شرم از تصویر بدن توسط پژوهشگران به فارسی ترجمه شد. سپس به منظور بررسی روشنی و دقت عبارت‌های

1. depression, anxiety, stress scale
2. the other as shamer scale
3. inferiority
4. emptiness
5. mistake

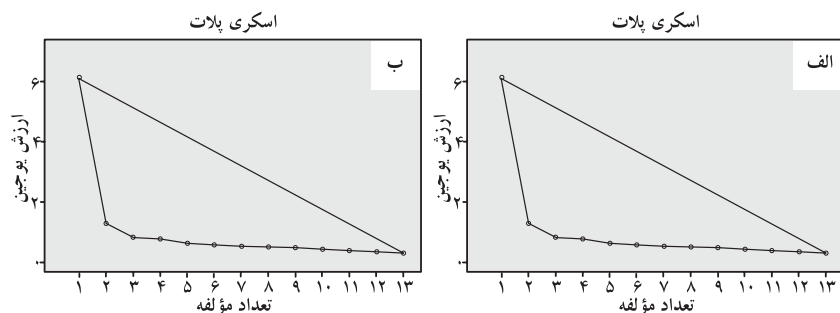
ترجمه شده، دو نفر از استادان روان‌شناسی دانشگاه هر دو نسخه فارسی و انگلیسی را بازبینی و اصلاح کردند. در مرحله بعد نیز نسخه فارسی را مترجمی مجدداً به انگلیسی بازگردانید و یکی از استادان زبان انگلیسی عبارت‌های ترجمه شده را با نسخه اصلی ابزار مقایسه کرد و در نهایت ایرادهای موجود در ترجمه فارسی برطرف شد. به علاوه، نسخه فارسی ابزار بر روی نمونه‌ای متشکل از ۱۵ دانشجو اجرا و مشکلات و ابهام موجود در برخی گویه‌ها اصلاح شد. در مرحله پژوهش نهایی نیز پیش از اجرای پرسش‌نامه‌های پژوهش، به دانشجویان شرکت کننده در پژوهش توضیح داده شد که اطلاعات به دست آمده از این ابزارها کاملاً محرمانه است و صرفاً برای کاربرد در یک پژوهش دانشگاهی به کار گرفته می‌شود. همچنین، به دانشجویان یادآور شد که مشارکت آن‌ها در طرح کاملاً داوطلبانه است و از اطلاعاتشان تنها به شرط رضایت‌مندی استفاده می‌شود.

۷. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در پژوهش حاضر برای بررسی روایی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده و ضریب هم‌بستگی پیرسون نیز برای بررسی رابطه نمره‌های این پرسش‌نامه با سایر ابزارهای پژوهش و محاسبه ضریب بازآزمایی به کار رفته است. ضریب آلفای کرونباخ نیز برای بررسی همسانی درونی مورد استفاده قرار گرفته است.

### یافته‌ها

برای بررسی روایی نسخه فارسی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن، نخست تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد. بدین ترتیب که همچون مطالعه دوارت و همکاران (۲۰۱۴) تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش آبلیمین انجام گرفت. نتایج تحلیل در هر دو نمونه مردان و زنان با ملاک‌های ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک و نمودار اسکری (شکل ۱)، ساختار عاملی متشکل از دو مؤلفه را مورد تأیید قرار می‌دهد. هرچند جزئیات مربوط به تحلیل در نمونه‌های فوق تاحدی متفاوت بوده است؛ بدین ترتیب که در نمونه دانشجویان دختر مقدار KMO معادل ۰/۹۲ و آزمون بارتلت با مقدار ۲۹۴۱ و درجه آزادی ۷۸ در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بوده؛ در حالی که در نمونه دانشجویان پسر مقدار KMO برابر ۰/۹۳ محاسبه و آزمون بارتلت با مقدار ۲۶۷۴ و درجه آزادی ۷۸ در سطح ۰/۰۰۱ معنادار شده است. به علاوه در نمونه دانشجویان دختر، دو مؤلفه استخراج شده روی هم‌رفته ۶۴ درصد

واریانس را تبیین کرده‌اند؛ حال آنکه در نمونه دانشجویان پسر، ۵۷ درصد واریانس موجود توسط دو مؤلفه استخراج شده، تبیین می‌شوند. همچنین، مقادیر ارزش ویژه و درصد واریانس تبیین شده توسط هر مؤلفه تا حدودی در دو نمونه فوق متفاوت بوده که در جدول ۲ به‌طور دقیق گزارش شده است.



شکل ۱ نمودار اسکری مربوط به تحلیل عاملی نسخه فارسی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن؛ الف نمونه دانشجویان دختر و ب نمونه دانشجویان پسر

البته باید ذکر کرد که گویه نهم پرسش‌نامه (با عبارت «از حرکت دادن بیش از اندازه بدنم در مکان‌های عمومی (برای مثال در حرکات موزون)، خودداری می‌کنم. چون احساس می‌کنم ظاهر جسمانی خود را در معرض قضاوت دیگران گذاشته‌ام») در هر دو نمونه زنان و مردان به دلیل بار عاملی کم‌تر از ۰/۳۰ حذف شده است. بار عاملی سایر گویه‌ها نیز در هر دو نمونه در جدول ۲ گزارش شده است. عامل اول و دوم با توجه به سؤالات بارگذاری شده بر روی آن‌ها و همین‌طور به تاسی از پژوهش دوارت و همکاران (۲۰۱۴) به ترتیب شرم بدن پرونی شده و شرم بدن درونی شده نام‌گذاری شده است.

جدول ۲ بار عاملی گویه‌های پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن در دو نمونه دانشجویان زن و مرد

نمونه مردان		نمونه زنان		گویه‌ها
عامل اول	عامل دوم	عامل اول	عامل دوم	
۰/۸۵	۰/۸۷			ظاهر جسمانی‌ام باعث شده تا در رابطه با دیگران احساس حقارت کنم.

ادامه جدول ۲

نمونه زنان		نمونه مردان		گویه‌ها
عامل دوم	عامل اول	عامل دوم	عامل اول	
۰/۹۱		۰/۸۴		برداشتی که از ظاهر جسمانی‌ام دارم، احساس راحتی در موقعیت‌های اجتماعی را برایم دشوار کرده است.
۰/۸۳		۰/۸۰		برداشتی که از بدنم دارم، مرا از برقراری رابطه صمیمانه با دیگران بازداشته است.
۰/۸۵		۰/۷۹		از بودن در موقعیت‌های اجتماعی (مثل بیرون رفتن یا مهمانی) به دلیل ظاهر جسمانی‌ام دوری می‌کنم.
۰/۶۴		۰/۶۴		دوست ندارم در برابر دیگران ورزش کنم، چون از ارزیابی آن‌ها نسبت به بدنم می‌ترسم.
۰/۶۰		۰/۶۳		در موقعیت‌های اجتماعی احساس ناراحتی می‌کنم؛ چون احساس می‌کنم مردم من را به دلیل شکل بدنم قضاوت می‌کنند.
۰/۵۴		۰/۴۷		وقتی بدنم را در آینه می‌بینم، احساس می‌کنم آدم معیوبی هستم.
۰/۸۱		۰/۸۸		لباس‌هایی انتخاب می‌کنم که آن بخش‌های بدنم را که زشت یا نامناسب می‌دانم پنهان کند.
۰/۹۱		۰/۸۴		ترجیح می‌دهم بعضی قسمت‌های بدنم را پنهان کنم.
۰/۸۷		۰/۸۳		توجه دقیقی به حرکت و طرز قرار گرفتن بدنم دارم تا قسمت‌هایی را که دوست ندارم پنهان کنم.
۰/۸۷		۰/۸۳		از پوشیدن لباس‌های تنگی که شکل بدنم را نشان دهد، اجتناب می‌کنم.
۰/۵۶		۰/۶۴		دیدن بدنم بدون لباس، من را اذیت می‌کند.
۰/۸۵		۰/۵۵		وقتی لباس‌هایی می‌پوشم که شکل واقعی بدنم را نشان می‌دهند، احساس بدی در مورد خودم پیدا می‌کنم.
۱/۶۶	۶/۰۷	۱/۲۹	۶/۱۲	ارزش ویژه
۱۳/۸۳	۵۰/۶۱	۹/۹۲	۴۷/۰۸	واریانس تبیین شده توسط عامل

برای بررسی همسانی درونی کل پرسش‌نامه و نیز دو خرده‌مقیاس آن از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. بدین ترتیب که ضرایب آلفا برای کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های شرم برونی شده و شرم درونی شده در نمونه زنان به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۱ و ۰/۸۷، ۰/۸۷، ۰/۹۰ و ۰/۸۵ محاسبه شده است. این مقادیر در نمونه دانشجویان پسر به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۹۰ و ۰/۸۵ و ۰/۸۵

برآورد شده است. همچنین، به منظور بررسی ثبات زمانی نمره‌های حاصل از نسخه فارسی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن از روش بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته بر روی یک نمونه ۳۱ نفری از دانشجویان دختر و یک نمونه ۲۵ نفری از دانشجویان پسر استفاده شده است. این دانشجویان به صورت در دسترس از دانشگاه سلمان فارسی کازرون انتخاب شدند و پرسش‌نامه را به صورت لینک مجازی دریافت کرده بودند. این لینک در مرتبه اول به صورت یک روزه در اختیار دانشجویان قرار گرفته و پس از دو هفته به صورت مجدد برای یک روز فعال شده بود. نتایج ناشی از این بازآزمایی نشان می‌دهد که ضریب پایایی کل مقیاس، خرده‌مقیاس شرم برونی شده و شرم درونی شده در نمونه دانشجویان دختر به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۳ و ۰/۷۵ و در نمونه دانشجویان پسر به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۷۱ و ۰/۷۳ برآورد شده است.

برای بررسی روایی همگرا و واگرایی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن نیز از هم‌بستگی نمره‌های این مقیاس با نمره‌های حاصل از پرسش‌نامه قدردانی از بدن (BAS)، سیاهه نگرانی از تصویر بدن (BICI)، مقیاس افسردگی، اضطراب و فشار روانی (DASS) و مقیاس دیگران به منزله شرمگین‌کننده (OAS) استفاده شده است. این ضرایب در جدول ۴ به تفکیک نمونه دانشجویان زن و مرد گزارش شده است. گفتنی است که پیش از محاسبه ضرایب هم‌بستگی، پیش‌فرض‌های مربوط به نرمال بودن متغیرها و رابطه خطی میان آن‌ها بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که متغیرهای مورد توجه در این بخش در

جدول ۴ ضرایب هم‌بستگی مربوط به بررسی روایی همگرا و واگرایی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن

* پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن					
کل مقیاس		خرده‌مقیاس شرم برونی شده		خرده‌مقیاس شرم درونی شده	
نمونه مردان	نمونه زنان	نمونه مردان	نمونه زنان	نمونه مردان	نمونه زنان
۰/۴۶	-۰/۵۰	-۰/۴۵	-۰/۵۱	-۰/۴۲	-۰/۴۲
۰/۶۷	۰/۶۶	۰/۶۵	۰/۶۳	۰/۵۸	۰/۶۴
۰/۷۰	۰/۶۷	۰/۷۰	۰/۷۰	۰/۵۴	۰/۶۰
۰/۵۶	۰/۵۴	۰/۴۷	۰/۴۴	۰/۵۳	۰/۵۵
پرسش‌نامه قدردانی از بدن					
سیاهه BICI: نمره کل					
سیاهه BICI: نمره خرده‌مقیاس نگرانی بدریختی					
سیاهه BICI: نمره خرده‌مقیاس تداخل در عملکرد اجتماعی					

* پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن						
خرده‌مقیاس شرم درونی شده		خرده‌مقیاس شرم برونی شده		کل مقیاس		
نمونه مردان	نمونه زنان	نمونه مردان	نمونه زنان	نمونه مردان	نمونه زنان	
۰/۳۲	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۴۶	۰/۳۹	۰/۴۹	مقیاس DASS: نمره خرده‌مقیاس افسردگی
۰/۳۵	۰/۴۴	۰/۳۲	۰/۴۷	۰/۳۷	۰/۴۷	مقیاس DASS: نمره خرده‌مقیاس اضطراب
۰/۳۰	۰/۳۹	۰/۲۹	۰/۳۵	۰/۳۲	۰/۴۰	مقیاس DASS: نمره خرده‌مقیاس استرس
۰/۵۰	۰/۵۸	۰/۶۵	۰/۶۶	۰/۶۲	۰/۵۸	مقیاس OAS: نمره کل

عین بهره‌مندی از رابطه خطی، به لحاظ شاخص‌های کجی و کشیدگی نیز دارای مقادیری در بازه ۱- تا ۱+ هستند که مطابق نظر میرز و همکاران (۲۰۰۶)، ترجمه پاشاشریفی و همکاران، (۱۳۹۱) تخمین مناسبی از نرمال بودن تک‌متغیری ارائه می‌دهد.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن (BISS) در نمونه‌ای از دانشجویان دختر و پسر ایرانی انجام گرفته است. این پرسش‌نامه خلاف سایر ابزارهای مشابهی که در حوزه تصویر بدنی طراحی و تدوین شده، به‌طور ویژه شرم از بدن را به‌منزله زیرمجموعه‌ای از مفهوم کلی شرم اجتماعی نگریسته که دارای هر دو وجه بیرونی و درونی شرم است (دورات و همکاران، ۲۰۱۴). یافته‌های پژوهش حاضر در فرایند تحلیل عاملی نیز مؤید همین ساختار دو عاملی در نسخه فارسی پرسش‌نامه شرم از بدن است.

میزان درصد واریانس تبیین‌شده توسط این دو عامل در پژوهش حاضر و مطالعه دوارت و همکاران (۲۰۱۴) بسیار به هم نزدیک است. ترکیب گویه‌ها در هر دو مؤلفه شرم بیرونی و شرم درونی نیز در هر دو نمونه دانشجویان دختر و پسر یکسان است. این موضوع نشان می‌دهد که با وجود پژوهش‌هایی که اهمیت ادراک از تصویر بدنی را تنها در جامعه

زنان بررسی می‌کنند، تجربه شرم اجتماعی برخاسته از بدن در هر دو گروه زنان و مردان وجود داشته و هر دو وجه شرم بیرونی و درونی از بدن را نیز داراست. بدین ترتیب، می‌توان گفت که یافته‌های مطالعه حاضر، مؤید موضع پژوهش‌هایی همچون دنیل و بریجز (۲۰۱۰)، هولمکوست‌گاتاریو و فریسن (۲۰۱۹) و مک‌کینلی و هاید (۱۹۹۶) است که از رواج گفت‌وگوی درونی منفی درباره بدن در بین هر دو گروه جنسیتی خبر می‌دهند.

به‌علاوه، چنان‌که انتظار می‌رفت یافته‌های پژوهش حاضر در هر دو نمونه دانشجویان دختر و پسر، هم‌بستگی قابل توجهی را بین دو مؤلفه شرم بیرونی و درونی و همین‌طور نمره کل پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن (BISS) با نمره‌های حاصل از پرسش‌نامه دیگران به‌منزله شرمگین‌کننده (OAS) (گاس و همکاران، ۱۹۹۴) نشان می‌دهد. چنان‌که در بخش ابزار نیز توضیح داده شده بود، پرسش‌نامه اخیر به‌طور کلی نشان می‌دهد که فرد تا به چه اندازه دیگران را در رابطه با خود به‌عنوان قاضیانی سخت‌گیر و منفی‌اندیش ادراک کرده است. از این رو، می‌توان گفت که هم‌بستگی قابل توجه نسخه فارسی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن و مؤلفه‌های آن با این پرسش‌نامه، نزدیکی سازه اندازه‌گیری‌شده توسط نسخه فارسی پرسش‌نامه شرم بدن با شرم اجتماعی را مورد تأیید قرار داده و درواقع، گواهی برای روایی سازه این نسخه فراهم می‌کند.

از این گذشته، تمامی ضرایب هم‌بستگی به‌دست آمده میان نمره‌های حاصل از پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن و نمره‌های مربوط به اضطراب، افسردگی و استرس دانشجویان نیز مثبت بوده است. مقادیر این هم‌بستگی‌ها نیز به آنچه در مطالعه دوارت و همکاران (۲۰۱۴) گزارش شده، بسیار نزدیک است. این بخش از یافته‌های پژوهش حاضر، موضع پژوهش‌هایی (همچون گرابهورن و همکاران، ۲۰۰۶؛ سانفتتر و همکاران، ۱۹۹۵) را مورد تأیید قرار می‌دهد که پیش از این بر رابطه عواطف منفی مرتبط با ویژگی‌های بدنی و آشفتگی روان‌شناختی افراد تأکید کرده‌اند. البته چنان‌که در بخش یافته‌ها نیز مشاهده شد، در پژوهش حاضر روایی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن از طریق همگرایی و واگرایی با نسخه فارسی دو پرسش‌نامه کاربرد در حوزه تصویر بدنی، یعنی پرسش‌نامه قدردانی از بدن (تیلکا و وودبارکالو، ۲۰۱۵) و سیاهه نگرانی از تصویر بدن (لیتلتون و همکاران، ۲۰۰۵) نیز بررسی شده است. ضرایب هم‌بستگی منفی مابین نمره‌های حاصل از پرسش‌نامه شرم از بدن و دو خرده‌مقیاس آن با پرسش‌نامه قدردانی بدن، گواه روایی واگرا و ضرایب هم‌بستگی مثبت مابین نمره‌های مذکور با سیاهه نگرانی از تصویر بدن، شاهد روایی همگرا برای نسخه



فارسی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن (BISS) است. هر چند بایستی به یاد داشت که پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن، علیرغم هم‌بستگی با دو پرسش‌نامه یادشده، موضوع ادراک فرد از ویژگی‌های ظاهری و بدنی خود را در ذیل سازه بزرگ‌تر شرم اجتماعی می‌سنجد و در واقع، بخشی از شرم اجتماعی را هدف سنجش قرار می‌دهد که نه تنها با برداشت درونی او از تصویر بدنی در ارتباط است، بلکه ادراک او از نحوه قضاوت احتمالی دیگران حاضر در زمینه اجتماعی را هم منعکس می‌سازد. از این رو، می‌توان گفت که واگرایی و همگرایی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن با نسخه‌های فارسی دو پرسش‌نامه قدردانی از بدن و نارضایتی از تصویر بدنی تنها گواهی بر نزدیکی سازه‌های مورد اندازه‌گیری در این پرسش‌نامه‌هاست و به هیچ وجه یکسانی موضوع سنجش را نتیجه نمی‌دهد.

البته در پژوهش حاضر، علاوه بر روایی نسخه فارسی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن، موضوع پایایی آن نیز بررسی شده است. چنان که در بخش یافته‌ها نیز مشاهده می‌شود، ضرایب آلفای کرونباخ از همسانی درونی قابل توجه کل پرسش‌نامه و نیز خرده‌مقیاس‌های آن در هر دو نمونه دانشجویان دختر و پسر حکایت می‌کند. مقادیر مربوط به ضرایب بازآزمایی نیز به مقادیر گزارش شده در پژوهش دوارت و همکاران (۲۰۱۴) بسیار نزدیک بوده و از ثبات زمانی نسبتاً مطلوب نسخه فارسی این پرسش‌نامه خبر می‌دهد. به هر حال مجموع مطالب بالا نشان می‌دهد که نسخه فارسی پرسش‌نامه شرم از تصویر بدن، به لحاظ ویژگی‌های روان‌سنجی کفایت مطلوبی دارد و برای سنجش بخشی از شرم اجتماعی که بر مرکزیت ویژگی‌های ظاهری و بدنی افراد شکل می‌گیرد، ابزار مناسبی است.

باید توجه داشت که پژوهش حاضر نیز به نوبه خود محدودیت‌های خاصی دارد. به ویژه اینکه در این پژوهش، تنها به نمونه دانشجویان بسنده شده و نمونه نوجوانان که به واسطه شرایط سنی خویش به مسائل ظاهری و نیز قضاوت‌ها و ارزیابی‌های دیگران در مورد خود، بسیار حساس هستند، توجهی نشده است. از این رو، می‌توان بررسی ویژگی‌های این پرسش‌نامه در نمونه نوجوانان دختر و پسر را به منزله موضوعی قابل طرح در پژوهش‌های آتی در نظر گرفت. به علاوه، در پژوهش حاضر، متغیرهایی همچون وضعیت اقتصادی - اجتماعی یا سطح عملکرد تحصیلی دانشجویان مورد پرسش قرار نگرفته، از این رو، باید در رابطه با تأثیر این متغیرها در تجربه شرم بدنی نیز با احتیاط عمل کرد و منتظر نتایج پژوهش‌های آتی در این خصوص بود.

## قدردانی

بر خود لازم می‌دانیم از تمامی دانشجویانی که در انجام این پژوهش مشارکت کردند، صمیمانه سپاسگزاری کنیم. برحسب مدارک، در این مقاله هیچ تعارض منافعی وجود ندارد.

## منابع

- اثباتی، م.، خدابخش، ر.، مهری‌نژاد، ا.، خسروی، ز.، و صرامی، غ. ر. (۱۳۹۶). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس دیگران به منزله شرمگین کننده. در ششمین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران. تهران: دانشگاه الزهرا.
- سامانی، س.، و جوکار، ب. (۱۳۸۶). بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه مقیاس افسردگی، اضطراب و فشار روانی. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز (ویژه‌نامه علوم تربیتی)*، ۲۶ (۳)، ۶۵-۷۷.
- محمدی، ن.، و سجادی‌نژاد، م. س. (۱۳۸۶). ارزیابی شاخص‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه نگرانی درباره تصویر بدنی و آزمون مدل ارتباطی شاخص توده بدنی، نارضایتی از تصویر بدنی و عزت نفس در دختران نوجوان. *مطالعات روان‌شناختی*، ۳ (۱)، ۸۳-۹۹.
- میرز، ل. اس.، گامست، گ.، و گارینو، ا. جی. (۲۰۰۶). پژوهش چندمتغیری کاربردی (طرح و تفسیر). ترجمه ح. پاشاشریفی، و. فرزادی، س. رضاخانی، ح. ر. حسن‌آبادی، ب. ایزانلو و م. حبیبی (۱۳۹۱). تهران: رشد.
- هاشمی‌نژاد، ف.، منتشلو، س.، ایزدی دهنوی، س.، و روشن، ر. (۱۳۹۵). تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه قدردانی از بدن در نمونه ایرانی. *مجله دانشکده علوم پزشکی نیشابور*، ۴ (۳)، ۶۵-۷۱.
- Andrews, B., Qian, M., & Valentine, J. (2002). Predicting depressive symptoms with a new measure of shame: the experience of shame scale. *The British Journal of Clinical Psychology*, 41, 29-33.
- Avalos, L., Tylka, T. L., & Wood-Barcalow, N. A. (2005). The Body Appreciation Scale: Development and psychometric evaluation. *Body Image*, 2, 285-297.
- Beadle, E. S. (2019). *Body shame, body compassion and physical activity*. Doctoral Thesis in Psychology in the University of Hertfordshire. Available online at <https://uhra.herts.ac.uk/handle/2299/22613>.
- Beall, A., & Tracy, J. (2020). The Evolution of Pride and Shame. In L. Workman, W. Reader, & J. Barkow (Eds.). *The Cambridge Handbook of Evolutionary Perspectives on Human Behavior* (Cambridge Handbooks in Psychology, pp. 179-193). Cambridge: Cambridge University Press.
- Daniel, S., & Bridges, S. K. (2010). The drive for muscularity in men: Media influences and bjectification theory. *Body Image*, 7, 32-38.
- Dias, B. S., Ferreira, C., & Trindade, I. A. (2018). Influence of fears of compassion on body image shame and disordered eating. *Eating and Weight Disorders*, 25, 99-106.

- Duarte, C., Pinto-Gouveia, J., Ferreira, C., & Batista, D. (2014). Body image as a source of shame: a new measure for the assessment of the multifaceted nature of body image shame. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 22, 656-666.
- Gilbert, P. (1998). What is shame? Some core issues and controversies. In P. Gilbert & B. Andrews (Eds.). *Shame: interpersonal behavior, psychopathology and culture* (pp 3-36). Oxford University Press, New York.
- Gilbert, P. (2000). The relationship of shame, social anxiety and depression: The role of the evaluation of social rank. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 7, 174-189.
- Gilbert, P. (2003). Evolution, social roles, and the differences in shame and guilt. *Social Research: An International Quarterly*, 70(4), 1205-1230.
- Gilbert, P. (2014). The origins and nature of compassion focused therapy. *British Journal of Clinical Psychology*, 53(1), 6-41.
- Goss, K., Gilbert, P., & Allan, S. (1994). An exploration of shame measures I. The "Other as Shamer Scale". *Personality and Individual Differences*, 17, 713-717.
- Grabhorn, R., Stenner, H., Stangier, U., & Kaufhold, J. (2006). Social anxiety in anorexia and bulimia nervosa: The mediating role of shame. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 13, 12-19.
- Heaven, P.J., Ciarrochi, J., & Leeson, P. (2009). The longitudinal links between shame and increasing hostility during adolescence. *Personality and Individual Differences*, 47, 841-844.
- Henrich, J., & Gil-White, F. J. (2001). The evolution of prestige: Freely conferred deference as a mechanism for enhancing the benefits of cultural transmission. *Evolution and Human Behavior*, 22, 165-196.
- Holmqvist Gattario, K. H., & Frisén, A. (2019). From negative to positive body image: Men's and women's journeys from early adolescence to emerging adulthood. *Body Image*, 28, 53-65.
- Hooper, D., Coughlan, J., & Mullen, M. (2008). Structural Equation Modelling: Guidelines for determining model fit. *Electronic Journal of Business Research Methods*, 6(1), 53-60.
- Kline, R. B. (2011). *Methodology in the Social Sciences. Principles and practice of structural equation modeling* (3rd ed.). Guilford Press
- Kling, J., Holmqvist Gattario, K., & Frisén, A. (2017). Swedish women's perceptions of and conformity to feminine norms. *Scandinavian Journal of Psychology*, 58, 238-248.
- Leeming, D., & Boyle, M. (2004). Shame as a social phenomenon: A critical analysis of the concept of dispositional shame. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research & Practice*, 77, 3, 375-396.
- Leith, K. P., & Baumeister, R. F. (1998). Empathy, shame, guilt, and narratives of interpersonal conflicts: Guilt-prone people are better at perspective taking. *Journal of Personality*, 66, 1-37.
- Littleton, H. L., Axson, A., & Pury, C. L. S. (2005). Development of the Body Image Concern Inventory. *Behavior Research and Therapy*, 43(2), 229-241.
- Lovibond, P. F., & Lovibond, S. H. (1995). The structure of negative emotional states: Comparison of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS) with the Beck Depression and Anxiety Inventories. *Behavior Research and Therapy*, 33(3), 335-343.

- McKinley, N. M., & Hyde, J. S. (1996). The Objectified Body Consciousness Scale: development and validation. *Psychology of Women Quarterly*, 20, 181-215.
- Puhl, R. M., & Heuer, C. A. (2009). The stigma of obesity: A review and update. *Obesity* 17(5), 941-964.
- Robertson, T. E., Sznycer, D., Deltona, A. W., Tooby, J., & Cosmides, L. (2018). The true trigger of shame: social devaluation is sufficient, wrongdoing is unnecessary. *Evolution and Human Behavior*, 39(5), 566-573.
- Sanftner, J. L., Barlow, D. H., Marschall, D. E., & Tangney, J. P. (1995). The Relation of Shame and Guilt to Eating Disorder Symptomatology. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 14(4), 315-324.
- Tangney, J. P. (1990). Assessing individual differences in proneness to shame and guilt: Development of the Self-Conscious Affect and Attribution Inventory. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 102.
- Tangney, J. P., Wagner, P. E., Fletcher, C., & Gramzow, R. (1992). Shamed into anger? The relation of shame and guilt to anger and self-reported aggression. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62(4), 669-675.
- Tylka, T. L. & Wood-Barcalow, N. A. (2015). The Body Appreciation Scale-2: Item refinement and psychometric evaluation. *Body Image*, 12, 53-67.
- Wollast, R., Riemer, A.R., Sarda, E., Wiemik, B. M., & Klein, O. (2020). How self-compassion moderates the relation between body surveillance and body shame among men and women. *Mindfulness*.
- Yang, M. L., Yang, C.C. & Chiou, W. B. (2010). When guilt leads to other orientation and shame leads to egocentric self-focus: Effects of differential priming of negative affects on perspective taking. *Social Behavior and Personality*, 38, 605-614.